



امام صادق علیه السلام سیره علمی-فرهنگی

دکتر حسین حسینیان مقدم



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
پاییز ۱۴۰۴

حسینیان مقدم، حسین، ۱۳۴۰ -
 Hosseinian Muqaddam, Hossein -1961
 امام صادق (علیه السلام) سیره علمی-فرهنگی / حسین حسینیان مقدم؛ ویراستار محمدسالم محسنی - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۴.
 نه، ۴۲۴ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۷۸۶؛ تاریخ: ۱۶۶)
 بها: ۴۷۵۰۰۰ ریال
 ISBN: 978-600-298-577-4
 فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
 کتابنامه. ص. [۳۷۱] - ۴۱۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.
 نمایه.
 ۱. جعفر بن محمد (علیه السلام) امام ششم، ۸۳-۱۴۸ ق. ۲. Jafar ibn Muhammad, Imam VI, 702-765. ۳. جعفر بن محمد (علیه السلام) امام ششم، ۸۳-۱۴۸ ق. ۴. --معلومات. Jafar ibn Muhammad, Imam VI, 702-765 -- Knowledge. ۵. جعفر بن محمد (علیه السلام) امام ششم، ۸۳-۱۴۸ ق. ۶. --فضایل. Jafar ibn Muhammad Imam VI, -- Virtues. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 BP۴۵ ۲۹۷/۹۵۵۳
 شماره کتابشناسی ملی
 ۱۰۱۵۵۵۰۸



امام صادق (علیه السلام) سیره علمی-فرهنگی

مؤلف: دکتر حسین حسینیان مقدم (دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)

ویراستار: محمدسالم محسنی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه آرایشی: تحریر اندیشه

چاپ اول: پاییز ۱۴۰۴

تعداد: ۳۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۴۷۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۸-۵۷۷-۴

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir info@rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: https://shop.rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمته‌الله، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود، خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۷۸۰ عنوان کتاب و ۹ نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع درسی برای رشته‌های تاریخ اسلام، تاریخ تشیع و تاریخ اهل بیت (علیهم السلام) در مقطع کارشناسی ارشد فراهم شده است؛ البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی و دیگر مراکز علمی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مؤلف محترم اثر، حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین حسینیان مقدم و نیز از ارزیابان و ناقدان گرانمایه، دکتر نعمت‌الله صفری و حجت الاسلام والمسلمین استاد سید محمد کاظم طباطبایی، سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

پیشگفتار..... ۱

فصل اول: کلیات

۱-۱. طرح تحقیق.....	۱۱
۲-۱. مفهوم‌شناسی پژوهش.....	۱۱
۱-۲-۱. امام.....	۱۲
۲-۲-۱. اهل بیت.....	۱۲
۳-۲-۱. تاریخ.....	۱۵
۴-۲-۱. سیره.....	۱۷
۵-۲-۱. سیره‌نگار.....	۲۲
۳-۱. پیشینه.....	۲۳
۱-۳-۱. کتاب‌ها.....	۳۵
۲-۳-۱. پایان‌نامه‌ها.....	۳۵
۳-۳-۱. مقاله‌ها.....	۳۶
۴-۱. منابع تحقیق.....	۳۸
۱-۴-۱. منابع حدیثی.....	۴۰
۲-۴-۱. منابع تاریخی.....	۴۶
۱-۲-۴-۱. تواریخ عمومی.....	۴۶
۲-۲-۴-۱. تواریخ محلی.....	۴۸
۳-۲-۴-۱. وقایع‌نگاری.....	۴۸
۴-۲-۴-۱. تواریخ ائمه اطهار (علیهم‌السلام).....	۴۹
۵-۲-۴-۱. تواریخ فرهنگ‌نامه‌ای.....	۴۹
۶-۲-۴-۱. منابع تراجمی.....	۵۰
۵-۱. دشواری پژوهش.....	۵۱

فصل دوم: زندگانی علمی - فرهنگی امام صادق (ع)

۵۳	۱-۲. فضای علمی - فرهنگی در عصر امام صادق (ع)
۵۵	۲-۲. آرا و جریان‌های فکری
۵۵	۱-۲-۲. غلو
۶۰	۲-۲-۲. غلو پیش از عصر امام صادق (ع)
۶۲	۳-۲-۲. پیدایی غلو
۶۵	۴-۲-۲. غلو در عصر امام صادق (ع)
۷۰	۱-۴-۲-۲. امام صادق (ع) و غالیان
۷۵	۲-۴-۲-۲. گونه‌های رویارویی امام صادق (ع)
۷۵	الف) نفی باورهای غالیان
۷۷	- خلقت نوری اهل بیت (ع)
۸۰	- آزادی عمل
۸۲	ب) لعن و بیزاری
۸۷	ج) تحریم فرهنگی - شنیداری
۸۸	د) تحریم اجتماعی - تعاملی
۸۹	ه) معیاردهی شناخت
۸۹	۱. پیروی از قرآن
۹۱	۲. پیروی از سنت پیامبر خدا (ص) و آثار اهل بیت (ع)
۹۲	۳. اعتدال و پیشی نگرفتن از رهبران دینی
۹۳	۴. تبیین رابطه معرفت و اطاعت
۹۴	و) برتری بخشی به یاران غیرغالی
۹۷	۵-۲-۲. زندگه‌گرایی در عصر امام صادق (ع)
۹۷	۱-۵-۲-۲. مفهوم، تطور و اقسام
۱۰۴	۲-۵-۲-۲. امام صادق (ع) و زندیقان
۱۱۲	۶-۲-۲. تصوف در عصر امام صادق (ع)
۱۱۲	۱-۶-۲-۲. مفهوم، پیدایش و گسترش تصوف
۱۱۸	۲-۶-۲-۲. امام صادق (ع) و صوفیان
۱۲۳	۳-۶-۲-۲. محورهای گفت‌وگوی امام صادق (ع) با صوفیان
۱۲۳	الف) اولویت‌سنجی در هزینه کردن و پرهیز از زهدنمایی
۱۲۴	ب) نسخ برخی آیات برای رفاه حال مؤمنان
۱۲۴	ج) اعتدال‌گرایی
۱۲۵	د) ناسازواری رفتاری صوفیان با اسوه‌های خود
۱۲۵	ه) درون ناسازواری سخنان صوفیان
۱۲۶	و) بیگانگی با سیره انبیای الهی
۱۲۶	۴-۶-۲-۲. پشمینه‌پوشی نماد زهدگرایی صوفیانه

۱۳۳		۷-۲-۲. مُرجئه یا باورمحوری افراطی در عصر امام صادق (علیه السلام)
۱۳۴		۱-۷-۲-۲. مفهوم، پیدایش و گسترش مُرجئه
۱۴۳		۲-۷-۲-۲. نمادهای مُرجئه
۱۴۳		۳-۷-۲-۲. امام صادق (علیه السلام) و مُرجئه
۱۴۵		۱-۳-۷-۲-۲. گونه‌های موضع‌گیری امام صادق (علیه السلام)
۱۴۵		الف) گمراه‌خوانی مُرجئه
۱۴۶		ب) تکفیر و لعن مرجئه
۱۴۷		ج) تحریم اجتماعی و تربیت نوجوانان
۱۴۹		د) قلمرو ایمان و عمل
۱۵۴		۸-۲-۲. اباحه‌گری در عصر امام صادق (علیه السلام)
۱۵۷		۱-۸-۲-۲. امام صادق (علیه السلام) و اباحه‌گری
۱۵۸		۳-۲. امام صادق (علیه السلام) و علوم
۱۵۹		۱-۳-۲. مفهوم و جایگاه علم و عالم در سیره امام صادق (علیه السلام)
۱۶۹		۲-۳-۲. مواجهه با پدیده انتقال علوم
۱۷۴		۳-۳-۲. آموزش کتابت به زنان
۱۷۸		۴-۳-۲. نگارش در سیره امام صادق (علیه السلام)
۱۸۲		۵-۳-۲. امام صادق (علیه السلام) و دانش کلام
۱۸۲		۱-۵-۳-۲. پیشینه دانش کلام
۱۸۳		۲-۵-۳-۲. متکلمان عصر امام صادق (علیه السلام)
۱۸۶		۳-۵-۳-۲. مواجهه امام صادق (علیه السلام) با دانش کلام
۱۸۷		الف) پرهیزدهی کلی
۱۸۸		ب) پرهیزدهی جزئی
۱۹۳		ج) تشویق و ستایش
۱۹۵		۶-۳-۲. امام صادق (علیه السلام) و دانش فقه
۱۹۵		۱-۶-۳-۲. ظهور و سامانمندی مکاتب فقهی
۱۹۸		۲-۶-۳-۲. امام صادق (علیه السلام)، اجتهاد عراقی و فقه اهل حدیث
۲۰۳		۳-۶-۳-۲. مواضع و روش‌های برخورد امام در برابر فقه اهل سنت
۲۰۳		الف) نفی میانی
۲۰۴		ب) شیوه استدلال به حدیث
۲۰۹		ج) تدریس و شاگردپروری
۲۱۴		د) مناظره‌پروری
۲۱۹		۷-۳-۲. امام صادق (علیه السلام) و قرآن و تفسیر
۲۲۲		۱-۷-۳-۲. اهداف تفسیری امام (علیه السلام)
۲۲۲		الف) توهم‌زدایی
۲۲۳		ب) انحراف‌زدایی

۲۲۷	 (ج) تهذيب نفس
۲۲۸	 ۲-۳-۷. شیوه‌های تبیینی امام (علیه السلام)
۲۲۹	 الف) تبیین تاریخی
۲۳۲	 ب) تبیین ادبی
۲۳۳	 ج) تبیین علمی
۲۳۴	 د) تبیین مصداقی
۲۳۵	 هـ) تبیین تأویلی ولایی
۲۳۸	 و) تبیین سیاسی
۲۴۰	 ۲-۳-۷. اثربخشی امام (علیه السلام) بر دانش قرآنی
۲۴۳	 ۲-۳-۸. امام صادق (علیه السلام) و دانش تاریخ
۲۴۳	 ۲-۳-۸-۱. راویان اخبار تاریخی امام صادق (علیه السلام)
۲۴۵	 ۲-۳-۸-۲. محتوای اخبار تاریخی امام صادق (علیه السلام)
۲۴۸	 ۲-۳-۹. امام صادق (علیه السلام) و دانش نجوم
۲۵۱	 ۲-۳-۱۰. دانش شیمی
۲۵۶	 ۲-۳-۱۱. امام صادق (علیه السلام) و دانش معماری
۲۵۹	 ۲-۳-۱۱-۱. روایات ناظر به معماری پیشین
۲۶۳	 ۲-۳-۱۱-۲. روایات بی‌ارتباط با معماری
۲۶۵	 ۲-۳-۱۲. امام صادق (علیه السلام) و دانش پزشکی
۲۶۵	 ۲-۳-۱۲-۱. پیشینه طب تا دوره امام صادق (علیه السلام)
۲۷۰	 ۲-۳-۱۲-۲. طب در دوره امام صادق (علیه السلام)
۲۷۳	 ۲-۴. میراث علمی مکتوب
۲۷۵	 ۲-۴-۱. کتاب‌های منسوب به امام (علیه السلام)
۲۷۵	 کتاب جَفَر
۲۷۷	 کتاب اختلاج الاعضاء
۲۷۹	 کتاب المَلَحَمَة
۲۸۰	 کتاب الطب
۲۸۵	 کتاب تفسیر
۲۸۷	 کتاب مصباح الشریعة
۲۸۹	 کتاب توحید مُفَضَّل
۲۸۹	 کتاب بحار العلوم
۲۹۰	 کتاب الجعفریات
۲۹۰	 کتاب‌های منسوب در کتابخانه ظاهریه دمشق
۲۹۱	 ۱. خواص القرآن الکریم یا منافع القرآن
۲۹۱	 ۲. صحائف الإمام الصادق (علیه السلام)
۲۹۱	 ۳. ذکر مناظره جعفر الصادق لبعض الشيعة فی التفضیل بین ابی بکر و علی (علیه السلام)

رسالة يعلم منها اختيارات الأيام النحسة و الجيده.....	٢٩١
رسالة لجعفر بن محمد الصادق عليه السلام في الكيمياء.....	٢٩١
الرسالة الْمُفْضَلِيَّة و الإِتْكَال على باري البرية.....	٢٩١
الصراط.....	٢٩١
أَلْهَقْتُ و الْأُطْلَّةُ يا أَلْهَقْتُ الشريف.....	٢٩١
٢-٤-٢. نامه های امام صادق عليه السلام.....	٢٩٢
٢-٤-٢. ١. پاسخ نامه ها.....	٢٩٣
الف) پاسخ نامه های کلامی - تفسیری.....	٢٩٤
ب) پاسخ نامه های فقهی.....	٢٩٦
ج) پاسخ نامه های اقتصادی.....	٢٩٩
٢-٤-٢. ٢. نامه های بدون پرسش.....	٣٠١
الف) نامه های اخلاقی.....	٣٠١
ب) نامه های کلامی.....	٣٠٤
ج) نامه های سیاسی - اجتماعی.....	٣٠٥
د) نامه های مربوط به امور شخصی.....	٣٠٦
٢-٤-٢. ٣. گواهی نامه ها.....	٣٠٨
٢-٤-٢. ٤. خطبه های امام صادق عليه السلام.....	٣٠٩
٢-٤-٢. ٥. سنگ نبشته منسوب به امام صادق عليه السلام.....	٣١٢
٢-٥-٢. ٥. امام صادق عليه السلام و مفهوم سازی.....	٣١٣
٢-٥-٢. ١. مفهوم عقل.....	٣١٦
٢-٥-٢. ١-١. فراوانی کاربرد واژه عقل.....	٣١٩
٢-٥-٢. ٢-١. رابطه عقل با علم و عمل.....	٣٢٣
٢-٥-٢. ١-٢. ارزش عقل.....	٣٢٣
٢-٥-٢. ٢-٢. نشانه ها و بایسته های عقل.....	٣٢٦
٢-٥-٢. ٣-٢. نیرومندی و تباهی عقل.....	٣٢٨
٢-٥-٢. ٤-٢. رابطه عقل و دین.....	٣٣٤
٢-٥-٢. ٢. مفاهیم عرب و عجم.....	٣٣٦
٢-٥-٢. ٣. مفاهیم صاحب السیف و قائم.....	٣٤٠
٢-٥-٢. ٤. مفهوم امر و صاحب الامر.....	٣٤٢
٢-٥-٢. ٥. مفهوم مهدی و مبارزه با مهدی پنداران.....	٣٤٤
٢-٥-٢. ٦. مفهوم مرجئه شیعه.....	٣٥٨
سخن پایانی.....	٣٦١
عناوین پیشنهادی تحقیق.....	٣٦٧
کتابنامه.....	٣٧١
نمایه اشخاص.....	٤١٧

پیشگفتار

بعثت رسول خدا ﷺ به عنوان مهم ترین رخداد تاریخ بشر و پایان بخش نبوت و نیز امامت به عنوان مهم ترین موضوع پس از رحلت آن حضرت، به ادله مختلفی همواره مورد توجه بوده است. بررسی سیره نبوی و سیره ائمه اطهار (علیهم السلام) در ادوار مختلف و زوایای متفاوت، نشان دهنده این توجه است؛ به ویژه که در قلمرو درون دینی و درون مذهبی، رابطه مردم با آنان رابطه پیروی و اطاعت است؛ رابطه ای که سبب می شود تا همواره نگارش درباره سیره معصومان (علیهم السلام) استمرار یابد و به تناسب، لایه های جدیدی از زندگانی آن حضرات ارائه شود.

بر اساس وجود رابطه اطاعت و پیروی، هدف تاریخ پژوهان در سیره معصومان (علیهم السلام) کشف رخدادهای و دست کم نزدیک شدن به واقعیات تاریخی در زندگانی آن حضرات است و از تحمیل ذهنیات خود و اقتضائات زمانی به زندگانی آنان پرهیز دارد. به تعبیر دیگر، سیره پژوهی در این عرصه تلاشی است برای دسترسی یا نزدیک شدن به واقعیت گذشته تا سیره پژوهان و دیگران بر اساس آن یافته ها از معصومان (علیهم السلام) پیروی کنند، نه اینکه با تحمیل آرای خود برای پیشوایان بزرگ سبک زندگی تعیین نمایند.

طبیعی است که برای رسیدن به این هدف بزرگ، باید به صورت بی وقفه و بدون سوگیری های احساسی و مقطعی تلاش کرد و از همه ظرفیت های پژوهشی بهره برد. این ظرفیت ها در قلمرو سیره پژوهی گرچه بیشتر به منابع مکتوب محدود است، اما به منابع تاریخی منحصر نیست و منابع حدیثی، کلامی، رجال، تفسیری، محلی و فرهنگ نامه ای را شامل می شود. عواملی از جمله موارد ذیل، استفاده از همه ظرفیت های پژوهشی را تأکید دارد:

– رخدادهای تاریخی باقی نیستند و جز از راه آثار یا گزاره‌ها راهی برای کشف یا نزدیک شدن به آنها وجود ندارد.

– به طور معمول، ثبت گزاره‌های تاریخی گزینشی است و فرقی نمی‌کند که گزینش آگاهانه یا ناآگاهانه و براساس پیش‌فرض‌ها و ذهنیت‌ها صورت گرفته باشد.

– تاریخ دانشی نقلی است و گزاره‌ها پیامی است که (کتبی یا شفاهی) به دیگری منتقل می‌شود. این انتقال ظرفیت تغییردهی در اصل یا روح پیام را پیوسته به همراه دارد، به‌ویژه هرچه واسطه نقل بیشتر باشد، خطر تغییر بیشتر است.

– در این میان، باید به نقش ناسخان، در تغییر خواسته یا ناخواسته آثار، نیز توجه داشت تا «شَغَلْتَنَا» به «شُدُّرْسْنَا» تغییر نیابد. ایمان و اعتقاد راسخ ناسخ به درستی قرآن در پیوند با سطح اندک معلومات وی سبب شد واژه «عَلَّتْنَا» را در آیه «شَغَلْتَنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا»^۱ به اشتباه «عَلَّطْنَا» بخواند و با حفظ وزن آیه، واژه «شَغَلْتْنَا» را به «شُدُّرْسْنَا» (مرکب از ش+درست+نا) تغییر دهد.

از آنجاکه شیوه علوم نقلی بازگویی و گزارش است، به طور معمول، اخبار پیشینی بر اخبار پسینی و منابع اختصاصی بر منابع عمومی ترجیح دارد و گزاره‌های صرفاً یادشده در قرون میانی، به‌ویژه متأخر، با دلواپسی بیشتری مطالعه می‌شود. برای رسیدن به گفتار و کردار معصومان (علیهم السلام) ضروری می‌نماید که مجموع اسناد و قراین، از جمله بسترها و زمینه‌های تاریخی در کنار یکدیگر بررسی و تحلیل شوند. شهرت‌گزینی، شهرت‌پذیری و وثاقت اسنادی به‌تنهایی کارگشا نیستند، گرچه نباید فهم مخاطبان خبر و نسل‌های پسینی را از آن خبر نادیده گرفت.

در مواردی، وجود گزاره‌ای در یک منبع معتبر^۲ یا درستی یک سند نیز به‌تنهایی و بدون توجه به شواهد بیرونی، راهی برای رسیدن به رخدادهای گذشته نیست، همان‌گونه که سند ضعیف لزوماً نشانه جعلی بودن خبر نیست و حتی اخبار جعلی نیز در بستر تاریخی خود، درخور

۱. فتح، ۱۱. نمونه دیگر آنکه شخصی کلمه «بیوت» را در آیه «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ...» (نور، ۳۶) مرفوع خواند و با استناد به این بخش از آیه که «أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ»، گفت: خداوند اجازه رفع داده است.

۲. برخی به همه روایات کتاب کافی اعتماد دارند و حتی نقد سندی آنها را کار ناتوانان می‌شمارند. آیت‌الله خویی (معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۷۹-۸۶) این نظریه را به تفصیل بررسی کرده و باطل دانسته است؛ «لم تثبت صحة جميع روايات الكافي، بل لا شك في أن بعضها ضعيفة، بل إن بعضها يطمأن بعدم صدورها من المعصوم (علیه السلام)». افزون بر اینکه این شیوه برای کشف واقعیت بیرونی در تحقیقات تاریخی ناکارآمدتر است.

بررسی و تحلیل‌اند؛ بنابراین، در شیوه‌فراسنّدی یا به تعبیری، موثوق‌الصدوری، درک واقعیت گذشته به سند خبر منحصر نمی‌شود.

برخی فقیهان نیز این شیوه را در فقه‌پژوهی ترجیح داده، نهی از فراگیری از غیرشیعه را به موارد احتمال خیانت و دروغ‌راوی تفسیر کرده و فساد اعتقادی راوی را از قابل‌اعتماد بودن وی تفکیک نموده‌اند. برای نمونه، آنان در نقل حدیث، به عامی‌مذهبان و برخی فطحی‌مذهبان اعتماد کرده‌اند. شاهد ترجیح این روش، استناد فقیهان شیعه،^۱ به حدیث نبوی «عَلَى الْيَدِ مَا أَخَذَتْ حَتَّى تُؤَدَّى» است؛ درحالی‌که این حدیث را فقط عامی‌مذهبان^۲ از سَمُرَة بن جُنْدَب فَزَارِی (م. از ۵۸-۶۰ ق) روایت کرده‌اند.^۳ سَمُرَة از (بدترین) صحابیان رسول خدا ﷺ بود و حضرت به جهنمی بودن وی اشاره کرد و او مشارکت در کُشتار هفتاد هزار نفر را در دوران استانداری زیادبن ابیه در کارنامه خود ثبت نمود.^۴

بدین ترتیب، با پرهیز از اصل تسامح در پژوهش‌های تاریخی، همه قراین و شواهد برای کشف واقعیت بیرونی یا نزدیک شدن به آن و اطمینان‌یافتن اصالت می‌یابد و درنظرداشتن هر هدفی جز آن، احتمال تغییر و تحریف را در پی خواهد داشت. دراین میان، منابع کهن، تخصصی و معتبر اهمیت بیشتری دارند که بایستی افزون‌بر محتوا و راویان خبر، به آنها نیز توجه ویژه داشت.

روایت ابودعامه می‌تواند دریافت واقعیت بیرونی را براساس پیوند و آمیزه‌ای از محتوا، سند و منبع تأکید کند. امام هادی (علیه السلام) برای ابودعامه، از پدرش، از پدرانش (علیهم السلام)، از رسول خدا ﷺ

۱. برای مثال، نک: طوسی، المبسوط، ج ۳، ص ۵۹؛ همان، ج ۴، ص ۱۳۲؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۶، ص ۱۹۸، ۳۷۷ و ۳۹۰ و انصاری (شیخ مرتضی)، المکاسب، ج ۳، ص ۱۸۱، ۱۸۳، ۲۱۶، ۲۶۷.

۲. مانند احمدبن حنبل (مسند، ج ۵، ص ۱۲).

۳. دلیل استناد شیعه به آن خبر این است که «مدار الحجة عندهم عَلَى مُجَرَّد كَوْنِ الْخَبَرِ مَوْثُوقُ الصُّدُورِ» (بروجردی نجفی، نهاية الأفكار، ج ۳، ص ۱۳۵). درباره پذیرش خبر دو روش شهرت دارد: یکی وثوق و اطمینان سندی و دیگری وثوق و اطمینان صدوری. در وثوق صدوری، وثاقت راوی (حتی دارای انحراف فکری) و قراین متعددی مانند عمل مشهور علمای گذشته را سبب اطمینان نوعی (نه اطمینان شخصی) دانسته‌اند. برای آگاهی بیشتر از این دو روش، نک: ربانی بیرجندی، «وثوق صدوری و وثوق سندی و دیدگاه‌ها»، فقه، ش ۱۹ و ۲۰، ص ۱۴۵-۲۰۷. نقد روش وثوق سندی را نک: برزگر، «ملاک پذیرش خبر و تأملی بر دیدگاه آیت‌الله خویی (رحمه الله)»، فقه، ش ۶۷، ص ۹۶-۱۲۷.

۴. «آخِرُهُمْ مَوْتًا فِي النَّارِ» و «قُتِلَ بِهَا سَبْعُونَ أَلْفًا» (ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۴، ص ۲۳۱-۲۳۴).

تفاوت اسلام و ایمان را بیان کرد. ابودعامه خرسند شد و گفت: نمی‌دانم محتوا یا سند حدیث را بهتر بدانم. آنگاه حضرت برای سنجش و اطمینان بیشتر به خبر، آن را صحیفه‌ای به خط امیرالمؤمنین (علیه السلام) و امای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وصف کرد.^۱

گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه پس از نیازسنجی پژوهشی و دریافت خلاهای پژوهشی در این زمینه، کلان‌طرح تاریخ و سیره ائمه اطهار (علیهم السلام) را در دستور کار قرار داد و طرح تاریخ و سیره امام صادق (علیه السلام) آخرین طرح برجامانده از آن کلان‌طرح بود که افتخار نگارش آن نصیب بنده شد.

براساس آن کلان‌طرح مصوب، زندگانی هر امام به پنج محور شناخت‌نامه، سیره سیاسی، سیره علمی، سیره اجتماعی و سیره اقتصادی تقسیم شد. در آن کلان‌طرح، سیره اخلاقی-تربیتی و خانوادگی عنوان مستقلی نیافت؛ زیرا اخلاق و تربیت در همه ابعاد زندگی ائمه اطهار (علیهم السلام) جاری و بر آنها حاکم است و نمی‌تواند هم‌راستای سیره‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی باشد، بلکه باید در همه ابعاد زندگانی حضرات نشان داده شود. روابط آن حضرات با همسر، فرزندان و موالی نیز ذیل احوال شخصی و ویژگی‌های فردی مطالعه می‌شود و بخشی از روابط خانوادگی ذیل دیگر سیره‌ها به‌ویژه سیره سیاسی بررسی می‌شود. جمع دوباره این مباحث موجب تکرار و حجیم شدن نوشتار می‌شود.

کتاب پیش‌رو سیره علمی-فرهنگی امام صادق (علیه السلام) را به‌عنوان نمونه انسان کامل، معصوم و دارای علم غیب غیراستقلالی و در نتیجه، شایسته برای الگو گرفتن جامعه انسانی و رسیدن به سعادت دنیا و آخرت مطالعه می‌کند؛ شخصیتی که در یکی از مهم‌ترین دوره‌های اثرگذار تاریخی جهان اسلام، یعنی در فاصله زمانی ۱۱۴-۱۴۸ق، با تحولاتی کلان در عرصه فرهنگ و سیاست قرار گرفته بود؛ دوره‌ای که مرزهای جغرافیایی اسلام گسترش چشمگیری یافته بود و دامنه خود را میان مرز چین تا اقیانوس اطلس و اندلس در جنوب غربی اروپا، با اقوام، نژادها، زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف، پهن کرده بود؛ امامی که خلافت اُمویان را با رویکرد عرب‌گرایی، موالی‌ستیزی، عدالت‌گریزی و نیز خلافت عباسیان را با شعار ادعایی مردم‌گرایی، ظلم‌ستیزی و دادگری و احیاء دین درک کرده بود.

۱. «إِنَّهُمَا أَحْسَنُ الْحَدِيثِ أَمْ الْإِسْنَادُ فَقَالَ إِنَّهَا لَصَحِيفَةٌ...» (مسعودی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۸۵-۸۶).

ویژگی‌های دیگر این دوره پایان یافتن عصر صحابه^۱ و آغاز دوره تابعین و پس از آن، دوره تابعی تابعین بود که آرا و افکار متنوع و متفاوتی در عرصه فکر و سیاست به وجود آمد و گروه‌های فرهنگی و سیاسی متفاوتی، مانند کیسانیه، زیدیه، عباسیان، زنداقله، صوفیه و مرجئه ظهور و بروز یافتند و فضای جامعه را رقابتی کردند. در این میان، هم مذاهب کلامی و فقهی بروز یافتند و هم برخی امام (علیه السلام) را به قیام علیه ظلم اموی و پس از آن، علیه بیدادگری عباسی فرامی‌خواندند، همان‌گونه که دولت به ظاهر دادگر عباسی از امام انتظار همکاری جدی داشت و امام (علیه السلام) را در تنگنای سیاسی قرار داده بود.

افزون بر اینها، شرایط و اقتضائات زمانی مطالباتی داشت که امام برای خود وظیفه‌ای بسیار فراتر از یک قیام نافرجام ترسیم کرد. در شرایطی که جهان اسلام شکل جدیدی به خود می‌گرفت، امام (علیه السلام) با دریافت صحیح مطالبات عصر خود، دایره تعامل خود را با جامعه و گروه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به‌خوبی ترسیم کرد و با راهکارها و برنامه‌های دقیق نقش راهبردی خود را در عرصه‌های مختلف نشان داد و مکتبی ماندگار و کارآمد تأسیس کرد و همگان را وام‌دار دانش و اخلاق خود نمود و الگو بودن خود را برای داشتن سبک زندگی برتر اثبات کرد.

این نوشتار از نوع توصیف و تحلیل است و برپایه مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و با تکیه بر منابع گوناگون کهن، توجه به منابع قرون بعدی و بهره‌وری از تحقیقات جدید، نقش امام (علیه السلام) را در عرصه‌های مختلف درخور بازکاوی دانسته است؛ همچنین برای دریافت واقعیت‌های بیرونی، از داده‌های دیگر علوم، مانند حدیث، کلام، رجال، تفسیر و فرقه‌شناسی نیز سود جسته و تلاش داشته در حد امکان، با رویکرد تاریخی به واقعیت تاریخی آن دوره نزدیک شود تا بتواند راهبردها و راهکارهای امام (علیه السلام) را در بستر حوادث و تحولات و در عرصه‌های مختلف تبیین

۱. در فرهنگ اسلامی از سه طبقه در طول یکدیگر یاد می‌شود: ۱. صحابه رسول خدا (علیهم السلام) که حضرت را درک کرده‌اند: «الصَّحَابِيُّ... مَنْ تَبَيَّنَتْ صُحْبَتُهُ لِرَسُولِ اللَّهِ (علیه السلام)» و دوره آنان از عصر خلافت تا اوایل قرن دوم ادامه یافته است؛ ۲. تابعین که نسل پس از صحابه هستند و رسول خدا (علیه السلام) را درک نکرده‌اند، اما اصحاب آن حضرت را درک کرده‌اند: «التَّابِعِيُّ مَنْ صَحَبَ الصَّحَابِيَّ»؛ ۳. تابع تابعین عالمانی هستند که فقط تابعین را درک کرده‌اند (نک: خطیب بغدادی، الکفایه، ص ۳۸). برای اطلاع از شرایط تحقق عنوان صحابی و تابعی، نک: غفاری، دراسات فی علم الدراية، ص ۲۰۰-۲۰۲. خَلَفَ نیز اصطلاحی است که برای عالمان پس از تابع تابعین استفاده می‌شود (قلعجی، معجم لغة الفقهاء، ص ۱۱۹).

کند؛ از این رو، گرچه مطالعه اثر برای عموم مناسب و مفید است، اما سیره پژوهان و محققان مخاطبان اصلی آن هستند.

همچنین در حد امکان از آوردن اخبار تکراری و تکثیر منابع پرهیز کرده است، ولی در مواردی به تفاوت واژه‌ها در اخبار تکراری اشاره داشته است. گفتنی است گاهی به یک خبر در مباحث مختلف، به صورت‌های گوناگون، استناد شده است و نباید چنین مواردی تکرار محسوب شود؛ همچنین به دلیل رویکرد تاریخی، استخراج و تبیین حکم فقهی و نیز بررسی ارتباط استنباط فقه سیاسی با شئون معصوم (علیه السلام)^۱ در قلمرو موضوعی این نوشتار نیست، اما برای تکمیل داده‌ها، در مواردی به جلوه‌های فقهی مباحث در آثار فقهی ارجاع داده شده است.

از آنجاکه این اثر پژوهشی یک پرسش و مسئله خاص را دنبال نمی‌کند، طبیعی است انتظار تبیین یک مسئله و ارائه فرضیه برای حل آن وجود نداشته باشد؛ باین حال، به تناسب موقعیت، به وصف، تحلیل، مقایسه و ایجاد ارتباط بین روایات منابع تاریخی و حدیثی پرداخته و در مواردی به تناسب موضوع، مسئله‌ای را مطرح کرده و تلاش نموده آن را با فرضیه‌ای خاص پاسخ دهد؛ از این رو، در چنین پژوهش‌هایی می‌توان به تناسب، مسئله‌محور بود و با نوآوری به تولید و پیشرفت دانش نیز کمک کرد. استخراج مقالات علمی پژوهشی در چنین طرح‌هایی این سخن را تأیید می‌کند.

طرح زندگانی امام صادق (علیه السلام) به دلیل حجم بالای داده‌های تاریخی و حدیثی به چند کتاب مستقل تبدیل شد و این کتاب به سیره علمی-فرهنگی آن امام (علیه السلام) اختصاص یافت. این سیره گرچه به لحاظ تنوع و حجم بالای مباحث، اقتضای تفکیک سیره علمی از سیره فرهنگی^۲ را داشت، اما به سبب درهم تنیدگی و پیوستگی مباحث، مطالعه آن در یک جلد ترجیح یافت. سیره علمی-فرهنگی امام (علیه السلام) با ۸۲۷ منبع و تحقیقات جدید مشتمل بر بیش از ۱۴۰ مقاله علمی و پایان‌نامه با رویکرد تحلیلی و انتقادی و نیز با ۴۶ پیشنهاد پایانی برای تحقیقات جدید، تلاش داشته به ناپیموده‌ها توجه داشته باشد.

۱. برای مطالعه نقش شئون معصوم در استنباط فقه سیاسی، نک: ضیائی، «بهره‌گیری از شئون معصوم در استنباط فقه سیاسی»، علوم سیاسی، ش ۶۶، ص ۱۱۳-۱۲۶.

۲. برای مطالعه نسبت میان علم و فرهنگ، نک: پارسا، «نسبت علم و فرهنگ»، راهبرد فرهنگ، ش ۲، ص ۵۱-۶۴ و جهانپخش، «رابطه علم و فرهنگ، زیرساخت نظری تمدن اسلامی»، مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ش ۳، ص ۳۷-۶۴.

همچنین جایگاه برخی مباحث و بستر تاریخی اخبار را بیابد و به پیشینه و پسینه آنها توجه دهد تا به نوعی به تاریخ اندیشه نیز نزدیک شود. البته چنین رویکردی می تواند سبب بسط یافتگی برخی مباحث نیز بشود؛ در عین حال، از حاشیه پردازی و تکثیر بی دلیل منابع، جز در موارد ضروری یا اختلاف در متن یا سند و یا برداشت پرهیز داشته و با چنین چشم اندازی هندسه مطالعه خود را در چند فصل به شرح ذیل سامان داده است:

فصل اول به کلیاتی می پردازد تا بتواند چارچوب بحث را ترسیم کند و پیشینه و منابع پژوهش را نشان دهد.

فصل دوم زندگانی علمی-فرهنگی حضرت را در پرتو موضوعات ذیل بررسی کرده است: فضای علمی-فرهنگی در عصر امام صادق (علیه السلام)، جریان های فکری (غُلُو، زندقه، تصوف، مرجئه، اباحه گری)، علوم (فقه، قرآن و تفسیر، تاریخ، نجوم، شیمی، معماری)، میراث علمی، امام (علیه السلام) و مفهوم سازی.

نگارش پیش فصل ها می تواند به دورنمای مباحث و انسجام مطالعه کمک کند. همان گونه که اعراب گذاری اسامی اشخاص، اماکن و قبایل و معرفی اجمالی برخی از آنان مَدَدرسان تبیین جایگاه اخبار مربوطه و بازشناسی هم نامان از یکدیگر است. آوردن تاریخ وفات نام بردگان در پژوهش های تاریخی از این جهت اهمیت دارد که زمان رویداد و حتی سیر زمانی مباحث را نشان می دهد. در این میان، در جلو نام اشخاصی که تاریخ وفاتشان یافت نشد، علامت سؤال (م.؟) گذاشته شد. نکته دیگری که در مطالعات تمدنی می تواند راهگشا باشد، اشاره به مولا بودن نقش آفرینان اصحاب امام صادق (علیه السلام) در عرصه علمی است.^۱

وجود پاورقی های توضیحی و انتقادی برای تبیین های پیرامونی به فهم عمیق تر مطالعه کمک کرده است. در مواردی ارجاع به برخی دیگر از آثار نگارنده این سطور، نه نشانه خودستایی که بیانگر تحقیق بیشتر در موضوع مربوط است. با اینکه امکان درج برخی از پاورقی ها در متن وجود داشت، اما توجه به انسجام بیشتر نوشتار سبب شد تا در همان پاورقی باقی بمانند.

در پایان، از همه گرامیانی که به نوعی مؤلف را در این پژوهش یاری دادند و سخاوتمندانه با اهدای آرای عالمانه خود بر اتقان و استواری نوشتار افزودند صمیمانه تشکر و قدردانی می شود؛

۱. نقش موالی در مقایسه با نقش غیر موالی در تأسیس، تعمیق و استمرار تفکر اهل بیت (علیهم السلام) در مسائل کلامی، فقهی، تفسیری و تاریخی درخور تحلیل است.

به‌ویژه ارزیابان و ناقدان گرامی که برخی، مانند دکتر نعمت‌الله صفری فروشانی و حجت‌الاسلام والمسلمین استاد سیدمحمدکاظم طباطبایی، زحمت ارزیابی و نقد همه اثر را برعهده گرفتند و برخی مانند دکتر منصور داداش‌نژاد، دکتر رسول قلیچ و نیز استادان ارجمند حُجَّجِ اسلام قاسم خانجانی، رمضان محمدی، حسین مرادی‌نسب و محمدرضا هدایت‌پناه بخش‌هایی از این اثر را عالمانه نقد کردند.

همچنین بذل عنایت رؤسای محترم پیشین پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و نیز ریاست فعلی آن، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدباقر سعیدی‌روشن، رئیس پژوهشکده علوم اسلامی، دکتر محمد فتحعلیخانی، معاونان محترم سابق و لاحق پژوهشی و به‌ویژه مدیر محترم گروه تاریخ حجت‌الاسلام والمسلمین رمضان محمدی را سپاسگزارم که این اثر با مساعدت آنان منتشر شد. در نهایت، تلاش تمام عزیزانی را که در آماده‌سازی این اثر ایفای نقش کردند، به‌ویژه آقایان اسماعیل یارمحمدی رئیس اداره پشتیبانی پژوهشکده علوم اسلامی و سیدعدنان اسلامی رئیس اداره آماده‌سازی و چاپ را سپاس می‌گویم؛ مراتب امتنان و سپاس قلبی خود را از سروران معظم و دست‌اندرکاران نشر این پژوهش اعلام می‌دارم و از خدای متعال برای همگان آرزوی موفقیت‌های روزافزون و برای نگارنده این سطور درخواست بخشش از خطاهای احتمالی را دارم.

این بضاعت مُزجَات نه درخور پیشکش به مقام شامخ امام صادق (علیه السلام) که کمتر از پای ملخی است تا بتواند تحفه مور به سلیمان وجودی باشد که توان شناخت قله رفیع شخصیت آن امام جز برای اندکی وجود ندارد؛ از این رو، نگارنده فقط مفتخر به اعتصام به عروة الوثقی و لایت اهل بیت (علیهم السلام) و شاخه پر بار عترت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است و از سروده شاعران بهره می‌برد که:

لایق نبود قطره به عمان بردن	خار و خَسِ صحرا به گلستان بردن
اما چه توان که رسم موران باشد	پای ملخی سوی سلیمان بردن

«یا ایُّها العزیز!» ببین خسته‌حالی‌ام	چشمان پرستاره و دامان خالی‌ام
ماییم آن «خسی که به میقات» آمدیم	شرمنده با «بضاعت مُزجَات» آمدیم
شام فراق، سوره واللیل خوانده‌ایم	یوسف‌نندیده «أَوْفِ لَنَا الْکَیْل» خوانده‌ایم

و از خدای باری تعالی می‌خواهد که رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا وَ تَغْفِرْ زَلَالِي وَ سُوءَ فِعَالِي که:
ما را به جز تو در همه عالم عزیز نیست گردد کنی بضاعت مُزَجَّات و قبول
پیشاپیش سپاسگزاری خود را از همه صاحب نظرانی اعلام می‌دارم که نقدهای عالمانه خود
را به مؤلف اهدا خواهند نمود و خواهانم که مَنْ يَقْرَأْ كِتَابِي يَدْعُو لِي بِالنَّجَاةِ مِنَ الْحِسَابِ.
حسین حسینیان مقدم^۱

1. moghadam@rihu.ac.ir

hhm4319@gmil.com

فصل اول

کلیات

۱-۱. طرح تحقیق

امامت و تشخیص امام پیوسته مورد توجه و گفت‌وگوی درون‌دینی و درون‌مذهبی بوده که سبب تمایز گروه‌ها و پیدایش فرقه‌ها و نیز تدوین آثار مختلفی درباره‌ی معصومان (علیهم‌السلام)، از جمله امام صادق (علیه‌السلام)، شده است. این آثار در سطوح مختلف با رویکرد و اهدافی متفاوت تدوین شده است. آنچه نگارش درباره‌ی زندگانی معصومان (علیهم‌السلام) را از نگارش دیگر موضوعات تاریخی متمایز و دشوارتر می‌کند، توجه ویژه به راهبری و اسوه بودن آنان در ابعاد مختلف زندگی پیروان است. مهم‌ترین مسئله در این حوزه، اثبات، تبیین، تحلیل و تحریف‌زدایی گزاره‌هاست که استفاده از همه‌ی ظرفیت‌های پژوهشی را ضروری می‌کند و لازم است بستر رخداد حادثه، نقل خبر، پیشینه‌ی خبر و بازتاب آن مورد توجه قرار گیرد و از احساسات و گرایش‌های شخصی پرهیز شود.

پژوهش حاضر پژوهشی موضوع‌محور است که سیره‌ی علمی-فرهنگی امام صادق (علیه‌السلام) را با پیش‌فرض عصمت، به شیوه‌ی مطالعه‌ی کتابخانه‌ای و اسنادی و استفاده از منابع گوناگون، بهره‌مندی از داده‌های کلامی و حدیثی و نیز توجه به تحقیقات جدید، بررسی کرده و به تناسب، به وصف، تحلیل، نقد، مقایسه و ایجاد ارتباط بین روایات منابع تاریخی و حدیثی پرداخته است.

۲-۱. مفهوم‌شناسی پژوهش

هر پژوهشی مبتنی بر چند مفهوم اصلی است که تبیین آنها به تبیین موضوع کمک می‌کند. در این پژوهش مفاهیم امام، اهل‌بیت، تاریخ و سیره بررسی می‌شوند.

۱-۲-۱. امام

امام در فرهنگ عرب برگرفته از «أَمَّ» با معانی نزدیک به هم، مانند اساس و پایه هر چیز، مرجع و قرارگاه، جماعت و دین و پیشوایی است که بر دیگران پیشی دارد^۱ و آدمی و غیر آدمی و نیز امام هدایت و گمراهی را شامل می‌شود.^۲ امام در اصطلاح امامیه و در این پژوهش به امامان دوازده‌گانه گفته می‌شود که با نص انتخاب می‌شوند، بر دیگران برتری علمی و عملی دارند، از خطا مصون (معصوم) هستند و ریاست عامه دینی و دنیایی دارند،^۳ خواه خلافت ظاهری داشته باشند یا نداشته باشند.

۱-۲-۲. اهل بیت

واژه «اهل» برابر نهاده واژه وحشی است که اگر مستقل به کار رود، به معنای شایستگی، سزاواری و آگاهی در مقابل کلمه «ناهل» است و اگر دارای مضاف‌الیه باشد، بیانگر الفت و ارتباط میان افراد در پیوند با مضاف‌الیه است؛ ازاین‌رو، «اهل الرَّجُل» به همسر مرد یا کسانی گفته می‌شود که با او در یک خانه زندگی کنند و به مردی که همسر دارد متأهل گویند. «اهل بیتِ الرَّجُل» نیز به کسانی گفته می‌شود که سکونت در یک منزل، خویشاوندی، هم‌دینی، همکار و همشهری بودن وجه اشتراک و ارتباط آنان با آن شخص باشد؛ همچنان که اهل اسلام به کسانی گفته می‌شود که در مسلمانی مشترک باشند.^۴

ترکیب «اهل بیت» در قرآن فقط برای خاندان حضرت ابراهیم (علیه السلام)،^۵ حضرت موسی (علیه السلام) و

۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ص ۴۵-۴۷.

۲. صدوق، معانی الأخبار، ص ۹۶ از ابوبشر لغوی (م. ۲۸۴ق)؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۲۴-۲۵. درباره کاربرد امام به پیشوای هدایت و ضلالت، بن‌گريد: انبياء، ۷۳ (أَيُّمَةُ يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا)؛ توبه، ۱۲ (أَيُّمَةُ الْكُفْرِ) و قصص، ۴۱ (أَيُّمَةُ يَدْعُونَ إِلَى التَّار).

۳. «رِئَاسَةُ عَامَّةٍ فِي أُمُورِ الدِّينِ وَالْدُّنْيَا» (طبری شیعی (منسوب)، دلائل الإمامة، ص ۱۷)؛ «نَبَاةٌ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ» (مفید، النکت الاعتقادیة، ص ۴۰) و همین تعریف را در منابع اهل سنت، نک: ایجی، المواقف، ج ۳، ص ۵۷۴.

۴. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۱۵۱؛ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۹۷. دهخدا (لغتنامه دهخدا، واژه اهل) مضاف‌الیه‌های فراوانی برای واژه اهل فهرست کرده است.

۵. «قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ» (هود، ۷۳).

۶. «هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ» (قصص، ۱۲).

رسول خاتم صلی الله علیه و آله به کار رفته و در این میان، دوری از پلیدی‌ها و پاکی را موهبت انحصاری خداوند برای خاندان رسول خاتم صلی الله علیه و آله بیان کرده^۱ و سبب جایگاه ویژه آنان در میان مسلمانان شده است. مسلمانان در تعیین مصداق اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله اختلاف نظر دارند. برخی از اهل سنت آن را به همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و برخی از شیعه و اهل سنت آن را به پنج تن آل عبا (اصحاب کساء) منحصر کرده‌اند. برخی دیگر مفهوم اصطلاحی اهل بیت را به همسران و پنج تن آل عبا توسعه داده‌اند، همان گونه که برخی زیدیان از حمزه بن عبدالمطلب و جعفر بن ابی طالب^۲ و مهدی محمد بن عبدالله (نفس زکیه)^۳ در شمار اهل بیت یاد کرده‌اند.^۴ مشهور امامیه اهل بیت را در خصوص حضرت فاطمه علیها السلام و امامان شیعه معنا کرده^۵ و همین معنا در این پژوهش مورد نظر است.

اما در کاربرد اهل بیت آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله شامل قلمرو مفهومی آن می‌شود یا نه؟

برای پاسخ، دو نکته درخور توجه است:

نخست اینکه «اهل» به «بیت» اضافه شده و مضاف غیر از مضاف الیه است؛ افزون بر اینکه اضافه اهل به بیت اضافه تخصیصی است و اختصاص شخص به خودش درست نیست.

۱. «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب، ۳۳).

۲. نک: کوفی، مناقب الإمام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱، ص ۱۲۹، ج ۲، ص ۵۳۳. نام حمزه و جعفر در شمار مصداق اهل بیت در منابع شیعی نیز آمده است (نک: صدوق، الأمالی، ص ۲۷۵؛ طوسی، الأمالی، ص ۴۱۰). محمد بن سلیمان کوفی از زیدیان یمن از همراهان هادی الی الحق محمد بن یحیی (م. ۲۹۸ ق) و قاضی اوست. برای اطلاع از انتساب کتاب مناقب به کوفی، نام‌های کتاب، اخبار و احادیث آن و بازتاب آنها در منابع شیعی، بنگرید: استادی، «البراهین الصریحة و محمد بن سلیمان کوفی»، حدیث حوزه، ش ۱۹، ص ۱۴۷-۱۶۸.

۳. نک: کوفی، مناقب الإمام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۱، ص ۲۳۷، ج ۲، ص ۵۳۳. از حمزه، جعفر و مهدی در منابع اسماعیلی و شیعی هم یاد شده است (قاضی نعمان، شرح الأخبار، ج ۱، ص ۲۰۰، ج ۲، ص ۴۶۵؛ صدوق، کمال الدین، ص ۲۶۴). روایت صدوق در کمال الدین، مهدی را از نسل امام حسین علیه السلام معرفی کرده است. ۴. یادکرد نام حمزه و جعفر در کنار نام امیرالمؤمنین علیه السلام در آثار زیدیان به عنوان اهل بیت، آیا متأثر از عقاید بازماندگان فرقه جناحیه و گراییده به زیدیان بوده است یا به سبب روحیه جهادی و شهادت طلبی زیدیان؟ این دو احتمال را نک: فرجامی، حدیث زیدیه و حدیث امامیه، ص ۴۵۹-۴۶۰.

۵. برای اطلاع بیشتر، نک: محمدی ری شهری، اهل البیت فی الکتاب و السنة؛ بابایی، پرسمان عصمت، ص ۴۲-۵۱ و ۹۳-۱۲۴. واکاوی سیر تاریخی کاربرد اجتماعی واژه اهل البیت تحقیق مستقلی می‌طلبد تا در پناه آن، شعار «الرضا من آل محمد صلی الله علیه و آله» در فضای جدیدی بازخوانی شود.

دیگر آنکه سفارش رسول خدا ﷺ به اهل بیت (به معنای عترت) برای بعد از خود، گویای عدم شمولیت است.^۱ کشتن عترت در کلام امام باقر (علیه السلام) که فرمود: «قرآن را تحریف کردند و عترت را کشتند»^۲ و اعلام کرد: «علی، حسن، حسین و فاطمه تأویل آیه تطهیر هستند»^۳ نیز شاهدی دیگر بر عدم شمولیت است.

با این حال، برخی در تعیین مصداق اهل بیت، از رسول خدا ﷺ نیز در شمار اهل بیت یاد کرده‌اند. گفتنی است «الف و لام» در واژه «اهل البیت» اگر عهد حضوری و اشاره به مکان خاص باشد، افراد حاضر در آن مکان شامل مفهوم اهل بیت می‌شوند و چون شخص غیر از مکان است، ناهم‌سویی با رابطه مضاف و مضاف‌الیه به وجود نمی‌آید. همان‌گونه که براساس آیه ۳۳ سورة احزاب،^۴ رسول خدا ﷺ شامل مفهوم اهل بیت است،^۵ اما «أَهْلَ بَيْتِي» در کلام خود رسول خدا ﷺ شامل ایشان نمی‌شود. بنابراین، کاربرد اهل البیت در این آیه با کاربرد اهل بیتی در کلام رسول خدا ﷺ و نیز با کاربرد اهل الرجل یا اهل بیت الرجل متفاوت است.

دو واژه «اهل» و «آل» اشتراک معنایی دارند و اهل البیت و آل البیت به یک معنا گفته می‌شود، با این تفاوت که آل فقط به انسان اضافه می‌شود و آل البیت به معنای آل بیت الرجل بوده که به مثابه اضافه شدن کلمه آل به انسان است. اگر در واژه اهل مفهوم الفت و دوستی نهفته است، در واژه آل نیز به دلیل اینکه از ریشه «أَوَّل» گرفته شده، مفهوم پیروی نهفته است که به نوعی اتحاد مصداقی را نشان می‌دهد. آل محمد نیز در مفهوم امت آن حضرت، هاشمیان، علویان، فاطمیان، حسینیان، امامان معصوم (علیهم السلام) و پنج تن آل عبا به کار رفته است.^۶ بنابر آنچه گفته شد، دامنه مفهومی واژه‌های اهل و آل در لغت گسترده‌تر از مفهوم ذریه است؛ زیرا ذریه به فرزند و دودمان شخص، شامل افراد مذکر و مؤنث، گفته می‌شود.^۷ قرآن

۱. «قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ... كِتَابَ اللَّهِ وَ عَثَرَتِي أَهْلَ بَيْتِي» (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۱۵).

۲. «أَمَّا كِتَابُ اللَّهِ فَحَرِّقُوا... وَأَمَّا الْعِترَةُ فَقَتِّلُوا» (صفار، بصائر الدرجات، ص ۴۳۳-۴۳۴).

۳. «تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ... فَهَؤُلَاءِ ثَقَلَى وَ أَهْلِي» (عیاشی، تفسیر، ج ۱، ص ۲۵۰).

۴. «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا».

۵. البته شمولیت به معنای یکسانی مقام رسول خدا ﷺ با دیگر افراد بیت خود نیست و اینان در رتبه بعدی هستند.

۶. «آل محمد ﷺ مَنْ هُمْ؟ قَالَ: هُمُ أَهْلُ بَيْتِهِ خَاصَّةً» (قاضی نعمان، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۸-۳۴)؛ بنابر

این خبر، آل و اهل به یک معنا به کار رفته و مفهوم اهل بیت براساس کاربرد و حکم متفاوت است.

۷. ابوهلال عسکری، الفروق اللغویة، ص ۶.

کریم نیز در آیه «وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً»^۱ با عطف ذُرِّيَّة به ازواج، همسران را از دایره مفهومی ذُرِّيَّة و نسل خارج کرده است. با این حال، گاهی دامنه کاربردی این واژه به برخی فرزندان محدود می‌شود، چنان‌که امام صادق (علیه السلام) در تبیین ذُرِّيَّة رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آن را به امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام)، حضرت زینب و حضرت ام‌کلثوم (فرزندان حضرت فاطمه (علیها السلام)) منحصر کرد.^۲ گاهی نیز زنان در قلمرو مفهومی ذریه قرار می‌گیرند، چنان‌که وقتی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) زنی را در شمار کشته‌های دشمن دید، فرمود: «لَا تَقْتُلُ ذُرِّيَّةَ (النساء)».^۳

۱-۲-۳. تاریخ

واژه تاریخ به معنای شناساندن و تعیین وقت و زمان است که در قرن دوم به کار گرفته شد و کاربرد آن در قرن سوم اوج گرفت. وجود دیدگاه‌ها درباره خاستگاه عربی، عبری یا فارسی این واژه، سبب اختلاف نظر معنایی آن شده^۴ و از قرن دوم در معنای شناخت زمان حادثه، حوادث بین دو زمان، خود حادثه یا گزارش حادثه به کار رفته است.^۵ کتاب التاریخ علی ترتیب السنین اثر هشتم بن عدی (م. ۲۰۷ق) نخستین اثری است که تاریخ را به معنای زمان حادثه^۶ و کتاب‌های تاریخ یحیی بن معین (م. ۲۳۳ق) و تاریخ الکبیر بخاری (م. ۲۵۶ق) تاریخ را به معنای شرح حال راویان به کار برده‌اند.^۷

۱. رعد، ۳۸.

۲. «فَحَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهَا عَلَى النَّارِ». صدوق (معانی الأخبار، ص ۱۰۷) این خبر را با تفاوتی در سند و لفظ آورده است. امام رضا (همان، ص ۱۰۶) و امام جواد (ابونعیم، ذکر اخبار اصبهان، ج ۱، ص ۲۰۶) نیز ذریه را به حَسَنین (علیهم السلام) اختصاص داده‌اند. براساس این اخبار، برخی از جمله فرزندان ائمه اطهار (علیهم السلام) خود را بر مبنای مفهوم عرفی ذریه، فرزندان حضرت فاطمه (علیها السلام) و مصون از عذاب می‌پنداشتند. این اخبار سیر تاریخی اصرار برخی را بر پندار خود نشان می‌دهد.

۳. ابوعبید، غریب الحديث، ج ۳، ص ۲۶۶؛ زمخشری، الفائق، ج ۱، ص ۳۹۶.

۴. نک: جوهری، الصحاح، ج ۱، ص ۴۱۸ و ۴۳۵؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۹۴، ج ۶، ص ۱۰۵؛ ابوریحان بیرونی، الآثار الباقية، ص ۳۶؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۴؛ زبیدی، تاج العروس، ج ۴، ص ۲۵۶ و ۳۲۳.

۵. رابطه دو معنای اخیر را نک: استنفورد، درآمدی بر تاریخ‌پژوهی، ص ۳۶ و ۱۹۱-۱۹۲.

۶. ندیم، فهرست، ص ۱۱۲.

۷. همان، ص ۲۸۶ و ۲۸۷.

قصه، نبأ و به‌ویژه خبر، معادل مفهوم تاریخ در فهم امروزی است که بر آن اساس، کتاب‌هایی مانند «اخبار تمیم»، «اخبار الحسن بن علی و وفاته» نوشته شده و تعبیر «اخباری» و «کان عالماً بالأخبار» کاربرد یافته‌اند^۱ و در این میان، عبدالعزیز جلودی با نگارش ۵۸ اثر با نام اخبار و پس از وی ثقفی زیدی بیشترین تک‌نگاری‌ها را با نام اخبار نگاشته‌اند.^۲ نگارش کتاب‌هایی به نام اخبار یا تاریخ با موضوعی مشابه، اتحاد معنایی آن دو واژه را بهتر نشان می‌دهد؛ برای مثال، احمد برقی (م. ۲۷۴ق) کتاب اخبار الأمم، طبری (م. ۳۱۰ق) کتاب تاریخ الأمم و مسعودی (م. ۳۶۴ق) کتاب اخبار الزمان من الأمم را در موضوعی مشابه نوشتند و نیز جُعابی کتاب اخبار بغداد و خطیب بغدادی کتاب تاریخ بغداد را نگاشته‌اند.

واژه‌های ترجمه، سوانح، وقعه، حیات، قصه در زبان عربی، همانند شرح حال، زندگانی، سرگذشت و داستان در ادبیات فارسی، دیگر مرادف‌های مفهومی واژه تاریخ‌اند، مانند ترجمه محمد بن ابی‌عمیر، سوانح الأيام (یا وقایع الأيام)، سوانح احوال ناصر خسرو العلوی (یا سرگذشت حجت)، وقعة الجمل از ابوبکر صولی (م. ۳۳۵ق)، حیاة ابراهیم بن مالک الأشر از محمد علی اردوبادی (م. ۱۳۸۰ق)، شرح حال رودکی از سعید نفیسی (م. ۱۳۴۵ش)، زندگانی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، سرگذشت اردشیر از وحید دستگردی (م. ۱۳۶۱ق) و داستان زندگی حافظ از حسین پژمان (م. ۱۳۵۳ش).^۳

شهید مطهری کشف قاعده و ضابطه برای زندگی‌های گذشته را تاریخ علمی (اصطلاح ایشان در برابر تاریخ نقلی) دانسته که از مجموع گزاره‌های تاریخی، بررسی و تحلیل حوادث گذشته (تاریخ نقلی) به دست می‌آید و تاریخ علمی را بخشی از دانش جامعه‌شناسی شمرده است.^۴

۱. همان، ص ۱۰۶، ۱۱۲ و ۱۲۸. برای مطالعه بیشتر، نک: روزنتال، تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام، ص ۱۰-۲۲.

۲. نک: نجاشی، رجال، ص ۱۷-۱۸ و ۲۴۲-۲۴۴.

۳. موارد یادشده و دیگر موارد را نک: آقابزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۳، ص ۲۷۰، ج ۴، ص ۱۴۷-۱۶۷، ج ۶، ص ۲۳۳، ج ۷، ص ۱۳۳ و ۱۴۴، ج ۸، ص ۳۵-۴۲، ج ۱۲، ص ۵۰-۵۸، ۱۰۰، ۱۷۱-۱۷۲ و ۲۵۱-۲۵۴، ج ۲۵، ص ۱۲۷-۱۳۳.

۴. مطهری (شهید)، جامعه و تاریخ، ص ۳۶۹-۳۷۰.

۱-۲-۴. سیره

سیره برگرفته از «سیر» به معنای رفتن به حالت‌های خوب و بدی گفته می‌شود که انسان یا غیرانسان آنها را به صورت غریزی یا اکتسابی داشته باشد^۱ و کاربرد فراوانی در فرهنگ عرب و ادبیات اهل بیت (علیهم‌السلام) دارد. این واژه در اصطلاح مورخان به حالات شخص، خاندان، گروه و نیز به حوادثی گفته شده که در عصر یک شخص، خاندان یا گروه با محوریت آنها رخ داده است. براساس آن، کتاب‌هایی با عنوان سیره، مانند «السيرة النبوية»، «سيرة معاوية و بنی امیه» و «سيرة النبی ﷺ و الأئمة (علیهم‌السلام) فی المشرکین»^۲ تدوین شده و به لحاظ دائم‌الاضافه بودن کلمه سیره، گاهی به موضوعات نیز اضافه گردیده و ترکیب «سيرة العلم و الاجتماع» را به وجود آورده است. طبیعی است منابع و اقتضائات بررسی سیره براساس مضاف‌الیه کلمه سیره، متفاوت خواهد بود. بنابراین، سیره نیز مرادف معنایی واژه تاریخ است و در بررسی شرح حال افراد و اماکن به یک معنا به کار رفته است.

درخواست سلیمان بن عبدالمک (م. ۹۹ق) از ابان بن عثمان عَفَّان برای نگارش سیره‌ای که در آن از انصار فضیلتی یاد نشود^۳ و نیز درخواست خالد بن عبدالله قَسْرِي (م. ۱۲۶ق) از ابن شهاب زُهْرِي برای تدوین سیره‌ای (اُکْتُب لِي السَّيْرَةَ) که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را در قعر جهنم نشان دهد،^۴ می‌تواند تأکیدی بر هم‌معنایی دو واژه تاریخ و سیره در ذهن عمومی مردم باشد؛ ازاین‌رو، به تاریخ‌نگاران «اصحاب السَّيْرِ» گفته شده^۵ و آثاری مانند سِير الصحابة، سِير أعلام النبلاء، سِير الملوك، سِير الثَّغُور و سِير الخلافة تدوین گردیده و از آن دانش به «عِلْم الآثار»^۶ یاد شده است. فقیهان اهل سنت نیز از شرح و شیوه رفتار نظامیان مسلمان با مشرکان به سیره تعبیر کرده (سيرة المسلمين فی المعاملة مع المشرکین) و البته احکام فقهی را از آن استنباط نموده‌اند.^۷

۱. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۴۳۳.

۲. ندیم، فهرست، ص ۱۰۳؛ نجاشی، رجال، ص ۶۷.

۳. زُبَیْر بن بَکَّار، الأخبار الموفقیات، ص ۳۳۱-۳۳۴.

۴. ابوالفرج اصفهانی، الأغانی، ج ۲۲، ص ۱۵.

۵. ندیم، فهرست، ص ۱۰۵، ۱۲۸ و ۲۴۶.

۶. حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، ص ۳۱۸-۳۱۹ و ۸۲۹، ج ۲، ص ۱۰۱۲-۱۰۱۳. موارد بیشتری از سیره و

سیر نگاشته‌ها را نک: آقابزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۱۲، ص ۲۷۶-۲۸۱.

۷. سرخسی، المبسوط، ج ۱۰، ص ۲.

گرچه از سیره در حرکت پسینی اش به سیره عملی یاد شده و از سیره گفتاری (حدیث) فاصله گرفته است، اما در آغاز نگارش، سیره با حدیث پیوند داشت و گفتار و کردار را، بدون اشاره به تکرارپذیری آنها، شامل می شد.

براین پایه، در بررسی سیره ائمه (علیهم السلام) نمی توان به سیره عملی بسنده کرد و سخنان آن حضرات را نادیده گرفت، حتی تقریر معصوم (علیه السلام)^۱ در تبیین سیره باید مورد توجه قرار گیرد. سیره نگاران نخستین شیعه، مانند شیخ مفید در کتاب الإرشاد، نیز از سخنان ائمه (علیهم السلام) برای تبیین سیره آن حضرات استفاده کرده اند و سخن هر شخص بیانگر روش و دیدگاه وی و تاحدودی نمایاننده شخصیت او در قلمرو عملکرد است.

البته سخن پیش گفته به معنای یگانگی قول و عمل یا ابتدای قول بر عملکرد نیست و ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز به هر کار جایز یا سفارش شده ای عمل نکرده اند؛ چنان که امام صادق (علیه السلام) ازدواج موقت (متعّه) و امام رضا (علیه السلام) آمیزش مقعدی با همسر را حرام نمی دانستند و درعین حال، چنان عملکردی نداشته اند^۲ و دختران اهل بیت (علیهم السلام) نیز هیچ کدام ازدواج موقت نکرده اند. شاهی دیگر بر این ادعا، هم غذا شدن با مجوسیان است. عبدالله بن یحیی کاهلی به امام صادق (علیه السلام) خبر داد که برخی مسلمانان با مجوس هم غذا می شوند (حکم فقهی آن چیست؟). حضرت فرمود:

۱. تقریر، سکوت آگاهانه معصوم (علیه السلام) در برابر عمل دیگری به شرط فقدان مانع برای اظهار نظر است. سکوت در این حالت، به منزله اقرار به صحت عمل است.

۲. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۴۰. امام خمینی (البیع، ج ۲، ص ۵۵۱) نفرت انگیز بودن آمیزش مقعدی را سبب این دانسته است که امام معصوم (علیه السلام) آن را انجام ندهد. افزون بر این، توجه به شرایط محیطی در انتخاب رفتارهای اجتماعی مهم و درخور توجه است، همان گونه که ابوحنیفه از مؤمن طاق خواست اگر متعه را حلال می شمارد کنیزان و دخترانش را متعه دهد تا برایش کسب درآمد کنند. مؤمن طاق گفت: هر حلالی دل پذیر نیست، مردم اعتبار و ارزشی دارند که خواهان ارتقای آن هستند (لَيْسَ كُلُّ الصَّنَاعَاتِ يُرْغَبُ فِيهَا وَ إِنْ كَانَتْ حَلَالًا وَ لِلنَّاسِ أَقْدَارٌ وَ مَرَاتِبٌ يَرْفَعُونَ أَقْدَارَهُمْ).

آنگاه از ابوحنیفه خواست که اگر نیب را حلال می شمارد، زنانش در مغازه های شراب فروشی کار کنند و برایش کسب درآمد کنند. ابوحنیفه در مقابل این پاسخ گفت: ضربتی در برابر ضربتی، اما ضربت تو سخت تر بود (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۴۵۰). روایت محمد بن مسلم درباره شرط نبودن موالات در غسل (فَمَسَّ مَوْلَاهَا رَأْسَهَا، طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۱۳۴) دلالتی بر متعه کردن امام صادق (علیه السلام) ندارد. فقیهان فقط در باب غسل به آن استناد کرده اند و ازسویی، متعه نویسانی مانند شیخ مفید به آن استدلال نکرده اند.

من با مجوس هم غذا نمی‌شوم، ولی شما را از آنچه در سرزمین خود انجام می‌دهید منع نمی‌کنم.^۱

بدین ترتیب، سخن و عمل معصومان (علیهم‌السلام) با داشتن شرایط حجیت، برای پیروان آنان حجت است که براساس قواعد علمی مربوطه، در احکام پنج‌گانه اباحه، مستحب، وجوب، کراهت و حرام نمود پیدا می‌کند و قابل پیروی است، چه تکرار و استمرار داشته باشد یا نداشته باشد، چه از آنها نظام حاکم بر تصمیم‌گیری استخراج شود یا نشود؛ چنان‌که رفتار امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در نبرد جمل مخالف رفتار رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در فتح مکه پنداشته شد و گفتند: «هذه سیرتان مختلفتان». امام سجاد (علیه‌السلام) سیره امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را مانند سیره رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در فتح مکه و امام صادق (علیه‌السلام) سیره امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را برای شیعیان بهتر از طلوع خورشید خواندند^۲ و طبیعی است که برخورد رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در فتح با مشرکان و مواجهه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در برخورد با مردم بصره در جنگ جمل تکرارپذیر نبود.

درخور توجه است که کاربرد لغوی واژه سیره به معنای رفتار ثابت در برخی احادیث ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و بزرگان قابل انکار نیست و می‌توان به سخن امام حسین (علیه‌السلام) اشاره داشت که فرمود: «من مطابق عملکرد جدم رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و پدرم علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) عمل می‌کنم».^۳ همچنین می‌توان به تعابیر «سیرته فی نفسه»، «سیره الإمام فی نفسه» یا «سیرته فی نفسه و رعیتته» مثال زد؛^۴ اما این کاربرد، نباید به معنای نادیده گرفتن معنای اصطلاحی آن واژه باشد.

سیره در دانش تاریخ به معنای شرح حال و در دانش فقه به معنای جواز است، بدون آنکه استمرار و الگو در آن لحاظ شود. حیات نیز مرادف سیره است که در معنای لغوی ضد مرگ است، اما اصطلاح تاریخی آن نادیده گرفته نمی‌شود. حیات وقتی به شخص یا گروه اضافه

۱. «لَا أَؤَاكِلُ الْمُجُوسِيَّ وَ أَكْرَهُ أَنْ أُحَرَّمَ عَلَيْكُمْ» (کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۲۶۳). در روایت شیخ طوسی (تهذیب الأحکام، ج ۹، ص ۸۸) این افزوده وجود دارد که نه او را (به هم‌غذایی) دعوت می‌کنم و نه با او هم‌غذا می‌شوم.

۲. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۵۵-۱۵۶.

۳. «أَسِيرُ بِسِيرَةِ جَدِّي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ سِيرَةِ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (علیه‌السلام)» (ابن‌اعثم، الفتوح، ج ۵، ص ۲۱).

۴. نک: جاحظ، العثمانیة، ص ۱۸۴؛ تقفی، الغارات، ج ۱، ص ۸۱؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۱۰؛ ابن‌عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۲۹۲. ماوردی (تسهیل النظر و تعجیل الظفر، ص ۱۶۹) تعبیر «سیرته فی نفسه و رعیتته» را از زبان انوشروان نقل کرده است که اشاره به سیره فردی و اجتماعی انوشروان دارد.

شود، به معنای تاریخ رخدادهای زندگانی آن شخص یا آن گروه و هرآنچه به آنها پیوند دارد، خواهد بود و مواردی مانند شرح حال استادان و شاگردان و معاصران آنها نیز بررسی خواهد شد و نام کتابی که به بررسی این موضوعات می‌پردازد، حیات، ترجمه، حالات، شرح حال، زندگانی، سوانح عمر و مانند اینها خواهد بود.^۱

هر دانشی واژگان اصطلاحی خاص خود را دارد که چه‌بسا با معنای لغوی آن تفاوت داشته باشد؛ به عنوان نمونه، منطق در لغت به معنای سخن گفتن و در اصطلاح منطقیان، معیار سنجش و ابزار بازداشت ذهن از اشتباه در تفکر است.^۲ فقه نیز در لغت به معنای دانایی و در اصطلاح فقهی به معنای فهم (و علم) به احکام شرعی فرعی براساس ادله تفصیلی است.^۳ صلاة نیز در لغت به معنای دعا است^۴ که در قرآن و روایات نیز همین کاربرد را دارد، اما در اصطلاح فقهی به مجموعه اعمالی، از تکبیر الاحرام تا سلام پایانی نماز، گفته می‌شود.^۵

در این میان، سیره پژوه برای یافتن رخداد گذشته تحقیق می‌کند تا آن را همان گونه که بوده دریابد یا دست کم به آن نزدیک شود و از دخالت دادن احساسات خود پرهیز دارد تا مبادا گذشته را در زمان حال بسازد و راه دریافت خود را نیز به گزاره‌های تاریخی مکتوب منحصر نمی‌کند، چه اینکه رویکرد و روش تاریخی به معنای انحصار منابع پژوهش به گزاره‌های تاریخی نیست. حدیث پژوه نیز رسالتی مانند تاریخ پژوه دارد و تلاش می‌کند تا سخن معصوم (علیه السلام) را همان گونه که صادر شده است، کشف کند.

نگارش آثار فراوانی از گذشته تاکنون و در میان اقوام مختلف، نشان از استواری معنای پیش گفته برای واژه سیره است.^۶ سیره پژوهی در این نوشتار نیز معادل مفهوم تاریخ پژوهی است،

۱. آقابزرگ تهرانی، الذریعة، ج ۷، ص ۱۱۳.

۲. «آلة قانونیة تعصم مراعاتها الذهن عن الخطأ فی الفکر» (نک: ابوعلی سینا، الإشارات و التنبیها، ج ۱، ص ۹-۱۰؛ مظفر، المنطق، ص ۸-۹).

۳. «الفقه فی اللغة الفهم و فی الاصطلاح هو العلم بالأحكام الشرعیة الفرعیة عن أدلتها التفصیلیة» (حسن بن زین الدین، معالم الدین، ص ۲۶).

۴. «فَالصَّلَاةُ وَ هِيَ الدُّعَاءُ» (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۳۰۰).

۵. «أولها التکبیر و آخرها التسلیم» (طوسی، التبیان، ج ۱۰، ص ۲۰۲).

۶. اسماعیلیان نیز در نگارش شرح حال امامان خود از واژه سیره استفاده کرده‌اند، مانند کتاب سیره الامام المؤید بالله احمد بن الحسین الهارونی (م. ۴۱۱ق) نگاشته یحیی بن حسین بن اسماعیل جرجانی شجری، معروف به المرشد بالله (م. ۴۹۹ق)، که در آن به تولد، زهد، علم، یاران و قیام او پرداخته شده است.